



گزیده مصوبات: صلاحیت دادگاههای تجدید نظر استان در خصوص رسیدگی به درخواست تجدید نظر از احکام صادره از دادگاههای عمومی و انقلاب

حقوق :: نشریه قضاوت :: مهر و آبان ۱۳۸۶ - شماره ۴۷

صفحات : از ۱۱ تا ۱۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334451>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- گزیده مصوبات: رسیدگی به جرایم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور با قصد مقابله با نظام در صلاحیت دادگاههای انقلاب است
- گزیده مصوبات: محاکمه متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلفه، در دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به مهم ترین جرم را دارد
- گزیده مصوبات جدید: رأی وحدت رویه شماره ۷۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه کیفری استان
- صلاحیت دادگاههای نظامی از نظر دیوان عالی کشور
- احکام صادره از دادگاههای انتظامی با محکومیت توبیخ یا درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا
- احکام صادره از دادگاههای انتظامی با محکومیت توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا
- نگرشی بر قوانین مربوط به تجدید نظر و اعاده دادرسی از احکام انتظامی وکلای دادگستری
- احکام صادره از دادگاههای انتظامی با محکومیت توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا
- احکام صادره از دادگاههای انتظامی با محکومیت توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا
- احکام صادره از دادگاههای انتظامی با محکومیت توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا

صلاحیت دادگاههای تجدیدنظر استان در خصوص رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از احکام صادره از دادگاههای عمومی و انقلاب*

رأی وحدت رویه شماره ۷۰۳ هیأت عمومی دیوانعالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاههای تجدیدنظر استان در خصوص رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از احکام صادره از دادگاههای عمومی و انقلاب

شماره ۵/۲۴۴۲-ه
۱۳۸۶/۵/۱۳

بسمه تعالی

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۹/۸۵ وحدت رویه، رأس ساعت ۹ بامداد روز سه شنبه مورخه ۱۳۸۶/۵/۹ به ریاست حضرت آیت الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت الله دری نجف آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۳-۱۳۸۶/۵/۹ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

احتراماً معروض می دارد؛ براساس گزارش شماره ۸۵/۳۳۳/۱-۱۳۸۵/۲/۵ ریاست محترم کل دادگستری استان چهارمحال و بختیاری، از شعب بیست و هفتم و سی و پنجم دیوان عالی کشور در استنباط از ماده ۲۱ اصلاحی ۱۳۸۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و ماده ۲۳۳ آیین دادرسی در امور کیفری این قانون و ماده ۳۹ الحاقی به قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، طی پرونده های کلاسه ۱۷/۲۷/۹۷۴۰ و ۳/۹۷۹۱-۳۵ آراء مختلف صادر گردیده است که گزارش مربوطه ذیلاً منعکس می گردد.

الف - براساس کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فارس، آقایان: ۱- ... ۲۲ ساله ۲- ... ۲۱ ساله، به ترتیب به مباشرت در یک فقره آدم ربایی طفل هشت ساله با وسیله نقلیه موتورسیکلت و معاونت در آدم ربایی از طریق ترغیب و تحریک مباشر و تسهیل وقوع جرم تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند و انگیزه آنان نیز مطالبه دو بیست میلیون ریال وجه نقد بوده که نهایتاً طفل ربوده شده آزاد و تحویل می گردد. شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی فارس طی دادنامه ۱۳۴۴-۱۳۸۲/۱۲/۲۰-۱۳۴۴ به موضوع رسیدگی و با استناد به اقاریر صریح متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا و همچنین در دادگاه و سایر قرائن و امارات، بزه های انتسابی را محرز دانسته و متهم ردیف اول را بلحاظ مباشرت در آدم ربایی با وسیله نقلیه، مستنداً به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، با رعایت بند ۵ ماده ۲۲ همان قانون

بخاطر اظهار ندامت و شیمانی ... به تحمل شش سال و متهم ردیف دوم را با استناد به ماده ۷۲۶ قانون مرقوم به تحمل پنج سال زندان محکوم نموده است. از این رأی تجدیدنظرخواهی شده که پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه بیست و هفتم ارجاع و پس از قرائت گزارش عضو ممیز و اوراق پرونده، طی دادنامه ۱۳۸۴/۳/۱۷-۳۷۷ به شرح ذیل رأی صادر گردیده است:

«با توجه به محتویات پرونده، درخواست محکوم علیه علیرضا ارژنگ با هیچ یک از شقوق مذکور در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری انطباق نداشته و مردود است، لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته ابرام می گردد و پرونده در اجرای بند الف ماده ۲۶۵ قانون مرقوم به مرجع مربوطه اعاده می شود. ضمناً اعتراض و تجدیدنظرخواهی معاون جرم (...) قابل طرح و رسیدگی در محاکم تجدیدنظر استان است.»

ب - به دلالت محتویات پرونده کلاسه ۳/۹۷۹۱ شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور، طبق دادنامه شماره ۸۳/۸۳۳-۱۲۲-۱۳۸۳/۹/۲۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی فارس، آقایان: ... و ... باتهام شرکت در آدم ربایی با استناد مواد ۶۲۱، ۴۷ و ۲۲ قانون مجازات اسلامی هر یک به ترتیب به تحمل پانزده، یازده و شش سال حبس تعزیری محکوم گردیده اند. محکوم علیه هم از دادنامه صادره تجدیدنظرخواهی نموده اند که پرونده طی نامه ۸۳/۱۰۶۵-ج/۱۰۱-۱۳۸۴/۳/۴-۱۰۱-۲۱ به دیوان عالی کشور ارسال و پس از ثبت به شماره ۱۰۰۲۱-۱۳۸۴/۳/۱۶-۱۰۰۲۱ به شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور ارجاع و پس از قرائت گزارش عضو ممیز و اوراق پرونده و اخذ نظریه دادیار دادسرای دیوان عالی کشور طی دادنامه ۳/۹۷۹۱ بشرح آتی الذکر بصدور رأی مبادرت گردیده است: «با عنایت به محتویات پرونده، در خصوص تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواهان مذکور در صدر صورتجلسه، نظر به اینکه با تصویب ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱، ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در خصوص صلاحیت رسیدگی دیوان عالی کشور در مرحله تجدیدنظر و فرجام ملغی گردیده و در حال حاضر صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به موضوع مذکور، صرفاً موارد مصرح در ماده مارالذکر است، لذا با امعان نظر به مقررات ماده مرقوم، رسیدگی و اظهار نظر در خصوص امر با دادگاههای تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری است. بنابراین با اعلام صلاحیت دادگاههای تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری مقرر می دارد دفتر پرونده از آمار کسر و عیناً به دادگاههای تجدیدنظر استان مذکور ارسال تا وفق مقررات اقدام شایسته معمول فرمایند.»

همان طور که ملاحظه می فرمائید از شعب بیست و هفتم و سی و پنجم دیوان عالی کشور در استنباط از مواد ۲۱ اصلاحی سال ۱۳۸۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و ماده ۳۹ الحاقی همین قانون و ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی در امور کیفری آراء متهاقت صادر گردیده است. به این توضیح که شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۱۳۸۴/۳/۱۷-۳۷۷ علیرغم تصویب ماده ۲۱ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را معتبر تلقی و براساس آن به صدور رأی مبادرت ورزیده، ولی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور آن را ملغی الاثر اعلام نموده و پرونده را به دادگاه تجدیدنظر استان مربوطه اعاده نموده است. بنابراین مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر تقاضای طرح موضوع را در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت صدور رأی وحدت رویه قضایی دارد.

معاون قضائی دیوان عالی کشور
حسینعلی نیری

ج: نظریه دادستان کل کشور

با احترام؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۹/۸۵ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور موضوع اختلاف نظر بین شعب ۲۷ و ۳۵ دیوان عالی کشور در استنباط از مواد ۲۱ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، با ملاحظه گزارش تنظیمی و سوابق امر بشرح آتی اظهار نظر می گردد.

به موجب مقررات قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی به کلیه دعاوی، شکایات و تعقیب جرایم در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب هر حوزه مقرر گردیده بود لیکن با وجود اینکه به موجب مقررات ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان مرجع تجدیدنظر احکام دادگاههای عمومی و انقلاب تعیین شده است، مقنن رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از احکام دادگاه عمومی و انقلاب در مورد:

جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا رجم باشد، جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا قصاص نفس یا اضرار باشد، جرائمی که مجازات قانونی آنها حبس بیش از ده سال باشد و مصادره اموال را در صلاحیت دیوان عالی کشور مقرر نموده است.

بموجب مقررات تبصره ذیل ماده ۴ اصلاحی قانون مصوب ۱۳۸۱ رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی

صلاحیت شورای اصلاحات ارضی نسبت به اصلاح اسناد مربوط به نسقهای زراعی*

آن را اصلاح می‌نماید. شورای انقلاب اسلامی در ۱۳۵۹/۹/۷ با الحاق یک تبصره به آیین‌نامه مذکور و نیز در ۱۳۵۹/۲/۱۳ اصلاح تبصره ۳ ماده ۲ لایحه قانونی راجع به تکمیل پاره‌ای از مواد قانون اصلاحات ارضی تلویحاً آنرا تأیید نموده‌است، لذا با عنایت به قسمت اخیر اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۸۳/۸۳ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیحاً صادر شده و تأیید می‌گردد.

* این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می‌باشد.

* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۱۹ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۶

رای وحدت رویه شماره ۷۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخصوص صلاحیت شورای اصلاحات ارضی نسبت به اصلاح اسناد مربوط به نسقهای زراعی

رای شماره ۷۰۲-۱۳۸۶/۵/۲۰ وحدت رویه هیأت عمومی

«واگذاری اراضی کشاورزی به زارعین صاحب نسق و تشخیص استحقاق و تعیین مقدار زمینی که به هر یک از آنها واگذار می‌شود براساس ضوابط و مقررات خاص قانون اصلاحات ارضی است، و در صورتی که در نحوه این واگذاری و یا تنظیم سند اشتباهی رخ دهد بموجب ماده ۳۸ آیین‌نامه قانونی مصوب کمیسیون مشترک مجلسین (مرجع صالح در زمان تصویب) شورای اصلاحات ارضی

به جرایم مطبوعاتی و سیاسی در صلاحیت دادگاه کیفری استان مقرر گردیده‌است و مرجع تجدیدنظر از احکام دادگاه کیفری استان حسب مقررات ذیل ماده ۲۱ اصلاحی قانون مرقوم دیوان عالی کشور تعیین گردید و طبق مقررات صدر ماده ۲۱ مرقوم مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی حقوقی، جزایی و انقلاب، دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارد.

هر چند اقتضای تأمین عدالت قضایی و مصالح اجتماعی رسیدگی به جرایم مهم چون آدم‌ربایی و سایر جرایم مستوجب حد و حبسهای طولی‌المدت در محاکم کیفری استان با هیأت دادرسان مجرب و متبحر می‌باشد و این مهم که باید در مقررات اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مورد توجه قرار می‌گرفت به سکوت برگزار گردیده است و در حال حاضر مادام که مقررات قانون مورد اصلاح مقنن واقع نشده است تکلیفی جز التزام به قوانین جاری نمی‌باشد.

بنابراین مراتب چون بموجب مقررات ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی حداکثر مجازات قانونی جرم آدم‌ربایی ۱۵ سال حبس می‌باشد لذا رسیدگی به جرم مذکور خارج از صلاحیت دادگاه کیفری استان و در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی خواهد بود و مرجع تجدیدنظر آن هم به تصریح صدر ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و بدین ترتیب مقررات ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب تا حدی که مغایر ماده ۲۱ مرقوم می‌باشد به تصریح ماده ۳۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ منسوخ خواهد بود.

چون رأی شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور با لحاظ این مراتب و طبق اصول صادر گردیده‌است، منطبق با موازین و مقررات تشخیص و مورد تأیید می‌باشد.

د: رأی شماره ۷۰۳-۱۳۸۶/۵/۹-۷۰۳ وحدت رویه هیأت عمومی

«ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ علی‌الاطلاق مرجع تجدیدنظر آراء دادگاههای عمومی حقوقی، جزایی و انقلاب را دادگاه تجدیدنظر استان محل استقرار آن دادگاهها و مرجع فرجام‌خواهی آراء دادگاه کیفری استان را دیوان عالی کشور دانسته و ماده ۳۹ انحصاری به قانون اصلاحی مرقوم کلیه قوانین و مقررات مغایر از جمله ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را در آن قسمت که مغایرت دارد ملغی نموده‌است، بنابراین به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.»

«این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع می‌باشد.»

* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۶/۶



مستثنی کردن کارگاههای کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول برخی از مقررات کار دلالتی بر وضع قاعده آمره خاص ندارد*

اختیار هیأت وزیران در مستثنی کردن کارگاههای کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول بعضی از مقررات قانون کار به مدت موقت و برحسب مصلحت است و دلالتی بر وضع قاعده آمره خاص ندارد نسبت به این قبیل کارگاههای کوچک و کارگران آنها که علی‌القاعده تابع شرایط قرارداد کار براساس تراضی و توافق طرفین (کارگر و کارفرما) است، ندارد. بنابراین مواد ۲ و ۳ در قسمت مورد اعتراض خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۵

رای شماره ۲۴۸ الی ۲۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال قسمتهایی از تصویب‌نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت/۲۷۹۲۹-۲۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ هیأت وزیران

رای هیأت عمومی الف - مفاد ماده یک آیین‌نامه مورد اعتراض در باب تعیین موارد استثناء و معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول برخی از مقررات کار مبتنی بر اختیار مقرر در ماده ۱۹۱ قانون کار است و مغایرتی با قانون ندارد. ب - طبق ماده ۱۹۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ «کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثناء به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.» نظریه اینکه حکم مقنن مفید حصر

سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده، رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر آنکه مجعولیت آن ثابت شود*

عدم صلاحیت دیوان عدالت
اداری در رسیدگی به اعتراض
نسبت به آراء صادره از هیأت
مستشاری دیوان محاسبات*

رای شماره ۱۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت
اداری مبنی بر عدم صلاحیت دیوان عدالت
اداری در رسیدگی به اعتراض نسبت به آراء
صادر از هیأت مستشاری دیوان محاسبات
رای هیأت عمومی

سابق عبارات ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات
کشور و حدود صلاحیت و اختیارات هیأت‌های
مستشاری و محکمه تجدیدنظر مستقر در آن در
باب رسیدگی به تحلفات مالی و تعیین مجازات‌های
اداری در موارد منصوص و قابلیت اعتراض نسبت
به آراء هیأت‌های مستشاری توسط محکوم‌علیه یا
دادستان در محکمه تجدیدنظر مذکور در تبصره
آن ماده به عضویت حاکم شرع به انتخاب
ریاست قوه قضائیه و دو نفر از مستشاران به
عنوان کارشناس و نتیجتاً ماهیت و طبیعت مراجع
فوق‌الذکر و نوع وظایف و مسئولیت‌های آنها مفید
انصراف تصمیمات و آراء قطعی مراجع مذکور از
مصادیق تصمیمات و آراء قطعی مراجع اختصاصی
اداری مقرر در بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت
اداری است و با این کیفیت دادنامه‌های شماره
۲۱۱۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ شعبه دوم، شماره
۳۰۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۷ شعبه چهارم، شماره
۱۲۱۱ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۲ شعبه ششم، شماره
۱۱۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۷ شعبه هفدهم، شماره
۲۹۸۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ شعبه بیستم که نتیجتاً
متضمن صدور قرار رد اعتراض شاکی به لحاظ
عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به این قبیل

شرح ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی نافی اعتبار آثار مترتب بر
سایر مندرجات سند رسمی از جمله تاریخ شروع مدت
اجاره مقرر بین طرفین نیست، بنابراین اطلاق بخشنامه
شماره ۳۰۴/۷۵۹۸ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۶ رئیس شورای
عالی مالیاتی که منحصرافاً مفهوم تأکید بر اعتبار تاریخ
تنظیم سند رسمی حتی در صورت تفاوت آن با تاریخ
شروع مدت اجاره است، خلاف قانون تشخیص داده
می‌شود و مستنداً به بند یک ماده ۲۱۹ و ماده ۴۲ قانون
دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی
* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۵

رای شماره ۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۳۰۴/۷۵۹۸ مورخ
۱۳۷۷/۸/۱۶ شورای عالی مالیاتی
رای هیأت عمومی
به صراحت صدر ماده ۴۶۸ قانون مدنی، مدت
اجاره از روزی شروع می‌شود که بین طرفین مقرر
شده است و مطابق ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد و املاک
کشور سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی
است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر
خواهد بود مگر آنکه مجعولیت آن ثابت شود. بنابه
مرتب فوق‌الذکر و اینکه اعتبار تاریخ تنظیم سند به

الزام سردفتر اسناد رسمی به افتتاح حساب قرض الحسنه در شعبه بانک ملی خارج از حدود اختیارات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است*

مبنی بر الزام سردفتر اسناد رسمی به افتتاح حساب
قرض الحسنه در شعبه بانک ملی به منظور واریز
حق‌التحریر اسناد رسمی در حساب مزبور خارج از
حدود اختیارات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
است و بدین جهت بخشنامه مورد اعتراض مستنداً به
بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری
مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی
دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد
* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲

رای شماره ۱۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت
اداری در خصوص ابطال دستورالعمل شماره
۱۳۷۹/۱۰/۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ سازمان ثبت اسناد
و املاک کشور
رای هیأت عمومی
با عنایت به اینکه حق‌التحریر برابر مقررات
مروضه، متعلق حق سردفتر اسناد رسمی است و با
عدیت به اعتبار اصل تسلط، شخص مزبور متمکن
از نحوه نگهداری و برخورداری و مصرف مشروع
و قانونی آن می‌باشد، بنابراین وضع قاعده امره

یکسال تمدید اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی و سه‌ماه مهلت برای تقدیم لایحه جدید*

بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز
چهارشنبه مورخ هفدهم مردادماه یکهزار و سیصد و
هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در
تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.
رئیس مجلس شورای اسلامی
غلامعلی حدادعادل
* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۶/۶

ماده واحده - اجراء آزمایشی قانون مجازات اسلامی
مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن به مدت یکسال
تمدید می‌گردد. این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء
می‌باشد
تبصره - قوه قضائیه موظف است از طریق دولت
لایحه مجازات اسلامی را حداکثر ظرف سه ماه تقدیم
مجلس شورای اسلامی نماید. قانون فوق مشتمل

۳ ماه مهلت به دادستانی کل برای اعلام مشخصات دقیق افراد ممنوع‌المعامله*

خصوص رفع اثر از بخشنامه‌های ۱۱۵۸۲/۱۵۰،
۹۲/۱۷۲۷۶/۳۳ - ۸۶۳۱/۱۱/۸۲ - ۹۱/۱۷۹۴/۶۸/۱۴۰
۱۴۰ - ۳۷۳۱/۹/۳۱ صادره از سوی دادستان وقت
کل انقلاب اسلامی اقدام نماید. بدیهی است کلیه
واحدهای ذیربط به ویژه وزارت اطلاعات همکاری
لازم را خواهند داشت.
رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی
* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۲۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۶

نظر به ضرورت توسعه حمایت‌های حقوقی
و قضایی ایرانیان خارج از کشور و تحقیق در امور
مربوط به وکالتنامه‌های تنظیمی در نمایندگی‌ها و
جوگیری از بروز مشکلات در زمینه احراز صحت
و سقم اسناد، مقرر است ظرف سه ماه از تاریخ
صدور این بخشنامه دادستان کل کشور با
استعمال از مراجع ذیربط، مشخصات دقیق افراد
ممنوع‌المعامله را بصورت رسمی اعلام و در



اعتراضات است، موافق اصول و موازین قانونی
تشخیص داده می‌شود. این رای به استناد قسمت
دوم ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری
برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در
موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون
قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد
* روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۵